

چرا قدرت‌های جهانی دموکراسی در ایران را برنمی‌تابند؟

نوشته علی برزگر

بخش دوم: کودتای ۲۸ مرداد



کیم روزولت در روز ۲۸ تیر ۱۳۳۲ از مرز عراق وارد ایران شد. او می‌بایست فرمانهای برکناری مصدق و نخست وزیری زاهدی را از شاه می‌گرفت و به آنها ابلاغ می‌کرد. او نعمت‌الله نصیری رئیس‌گارد سلطنتی را برای ابلاغ فرمان برکناری مصدق به خانه او فرستاد. اما او پس از دادن حکم در ساعت یازده شب ۲۴ مرداد به فرمان مصدق بازداشت می‌شود. در روز بعد حکم بازداشت کودتاپیان صادر می‌شود. در سه روز بعد تهران آشفته بود. ماموران دولتی بدنبال کودتاگران بودند و چند تن از آنان را بازداشت کردند. ساعت شش و نیم بامداد روز چهارشنبه ۲۸ مرداد مصدق به صدیقی وزیر کشور می‌گوید که "چون شاه از کشور تشریف برده اند من با جمعی از آقایان صاحب اطلاع شور کردم. رای آقایان این است که شورای سلطنتی با مراجعه به آرای عمومی تشکیل شود."

او از صدیقی می‌خواهد تا به فرمانداران تلگراف کند که از محل ماموریت خود خارج نشوند تا پس از تصویب مقررات رفراندوم از سوی هیات وزیران دستور مراجعه به آرای عمومی داده شود. در ساعت یازده بامداد، دکتر مصدق که از بی‌نظمی در شهر آگاه می‌شود و سرتیپ مدبر رئیس‌شهربانی را پاسخگو نمی‌بیند تلفنی از صدیقی می‌خواهد که حکم رییس‌شهربانی را بنام سرهنگ محمد دفتری، برادر زاده اش، که رئیس گارد گمرک بوده، را نوشته و پس از امضا برای او بفرستد. دکتر صدیقی در ساعت چهارده و چهل و پنج دقیقه از وزارت کشور به خانه دکتر مصدق در خیابان کاخ می‌رود که دیگر وزرا نیز جمعند. صدیقی می‌گوید: در دو طرف خانه آقای دکتر مصدق در خیابان کاخ سربازان با چند تانک و کامیون متوقف بودند. درخانه نخست وزیر دیدم جمعی از وزیران و همکاران همه در حال انتظار و تفکر نشسته‌اند. چند دقیقه بعد هیاهو و جنجال از رادیو از اطاق مجاور شنیده شد که مخالفان دولت اداره رادیو را اشغال کرده‌اند. پس از چند دقیقه صدای کشمکش شنیده شد و سرود شاهنشاهی پخش می‌شود. دو سه بار به دکتر مصدق گفته می‌شود که تیراندازان آهنگ گرفتن خانه را دارند و بهتر است همگی از آن اتاق بیرون روند. اما دکتر مصدق می‌گوید: "من از جان خود گذشته‌ام، قتل من امروز برای مملکت مفیدتر از زندگی من است و از این جا خارج نمی‌شوم. خواهش می‌کنم آقایان به هر جا می‌خواهید بروید."

در این زمان گلوله توپ دو جای ایوان خانه را خراب کرد و گلوله ای از سمت مغرب از پنجره اتاق هیات وزیران گذشته به در آهنی بسته اتاق خورد و صدای شدیدی می‌کند. صدیقی می‌گوید: آقایان ممکن است ما قبل از آن که مخالفین به اطاق وارد شوند زیر سقف و دیوار برویم.. (بهتر است). به زیر زمین یکی از اطاقهای مجاور برویم... " دکتر صدیقی، مهندس رضوی، دکتر شایگان، مهندس زیرک زاده، دکتر حسین فاطمی، مهندس سیف‌الله معظمی، محمود نریمان، ملکوتی معاون نخست وزیر، خازنی، کارمند نخست وزیری، سرهنگ علی دفتری، سرهنگ دوم عزت‌الله دفتری و سروان داورپناه دکتر مصدق را در بیرون رفتن از در شرقی همراهی کرده و پس از پایین رفتن از پلکان از در جنوبی طبقه زیرین وارد حیاط می‌شوند. پس از آن از راه نردبان که کنار دیوار گذارده از دو خانه دیگر نیز می‌گذرند. در خانه سوم مستخدم به صاحب خانه ... تلفنی رخداد را می‌گوید. اومی‌گوید: " آقایان شب را مطمئن در خانه من که متعلق به خودشان است بمانند. جان و مال من فدای دکتر مصدق! " ساعت پنج صبح دکتر مصدق همراه دکتر صدیقی و دکتر شایگان به خانه دکتر معظمی وزیر پست و تلگراف می‌روند و پس از استراحت و پوشیدن لباسی که برای او می‌آورند خود را به فرمانداری نظامی معرفی می‌کنند.

هواداران دولت ملی:

احزاب ملی - انور خامه ای که با خلیل ملکی و داریوش فروهر درباره ۲۸ مرداد گفتگو کرده بود می‌گوید دستور اکید مصدق این بوده که احزاب باشگاه یا کلوپ خود را بسته و اعضا را به بیرون شهر ببرند. او به مهندس حق شناس از حزب ایران نیز همین توصیه را کرده بود.....

متن کامل:

<https://cutt.ly/XrHs8lt8>

باز نشر : ایران فردا